



1747 / 2 / 3

900.2



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه الهیات

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی الهیات - فلسفه و کلام اسلامی

تفکر فلسفی و کودکان

استادان راهنما:
دکتر محمد بیدهندی
دکتر حسن علی بختیار نصرآبادی

کتابخانه مرکزی
دانشگاه اصفهان

۱۳۸۷ / ۲ / ۲

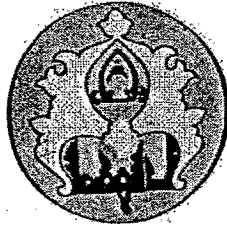
پژوهشگر:
الهام فخرایی

شهریورماه ۱۳۸۶

۹۵۵۰۲

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.

شبهه نگارش پایان نامه
رعایت شده است
تضمینات تکمیلی دانشگاه اصفهان



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه الهیات

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی تحت عنوان

تفکر فلسفی و کودکان

در تاریخ ۱۳۸۶/۷/۲۶ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد راهنمای پایان نامه آقای دکتر محمد بیدهدندی با مرتبه علمی استادیار

۲- استاد مشاور پایان نامه آقای دکتر حسن علی بختیار نصرآبادی با مرتبه علمی استادیار

۳- استاد داور داخل گروه آقای دکتر مهدی امامی جمعه با مرتبه علمی استادیار

۴- استاد داور خارج گروه آقای دکتر ~~سرمحمد~~ کلاتتری با مرتبه علمی استادیار

امضای مدیر گروه الهیات

چکیده :

اندیشیدن یکی از اجزاء لاینفک زندگی بشری است. همه ما با اندیشه آشنایییم، چه بطور آگاهانه و چه زمانی که به آن توجه نداریم. درواقع باید گفت فصل انسان از سایر موجودات در همین اندیشمند بودن اوست. از طرفی یکی از عرصه‌هایی که بطور جدی اندیشه انسان را به خود مشغول داشته "فلسفه" است. فلسفه و تفکر فلسفی درواقع این فرصت را برای آدمی فراهم می‌آورد که آگاهانه و هر چه بیشتر اندیشمندانه زندگی کند. چنانکه به جرأت می‌توان گفت؛ در هیچ برهه‌ای از تاریخ فرهنگی بشری نمی‌توان دوره‌ای را یاد کرد که انسان پس از روی آوردن به اندیشه به فلسفه بی‌اعتنا بوده باشد. در همین راستا و در جامعه امروز که تزاید و تناقض آراء بیش از هر زمان دیگری به چشم می‌خورد و بیانگر این نیاز است که تنها با مدد جستن از یک اندیشیدن جهت یافته و فعالانه است که می‌توان از آسیب‌های چنین فضایی در امان مانده و در عین حال گرفتار رکود و جزم اندیشی نشویم؛ باید راهی یافت که فلسفه را وارد زندگی روزمره نمود تا آموزش آن عمومیت پیدا کند. در واقع آنچه هدف نهایی ما می‌باشد، پرورش تفکر انسانی است. از همین رو با نظر به اهمیت تفکر فلسفی و نقش مهارت‌های تفکر اعم از انتقادی و خلاق در بهبود فضای فکری جامعه‌ی انسانی و برای اینکه این فرایند را سرعت بخشیم و بتوانیم استفاده بهینه‌ای از منابع انسانی یا درواقع فکری جامعه انسانی داشته باشیم، بهتر آن است که آموزش را از دوران کودکی آغاز کنیم تا بزرگسالانی آموزش دیده داشته باشیم. در همین راستا حرکت‌هایی برای آموزش دادن فلسفه به کودکان انجام شده است؛ جنبشی که تحت عنوان "فلسفه برای کودکان" در حدود نیم قرن است کار خویش را در سراسر جهان آغاز کرده است و در بیش از ۱۰۲ کشور جهان در حال اجرا می‌باشد. در تحقیق حاضر که به روش کتابخانه‌ای انجام شده است با هدف معرفی و بررسی این جنبش در پی این هستیم تا امکان آموزش دادن فلسفه به کودکان، زمان مناسب برای آغاز آموزش فلسفه به کودکان، نتایج کاربردی آموزش فلسفه به کودکان و نیز روش‌ها و رویکردهای موجود آموزش فلسفه به کودکان را بررسی کنیم.

واژه های کلیدی: فلسفه، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، تفکر فلسفی، کودکان، آموزش فلسفه

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

فصل اول: کلیات

۱	۱-۱- مقدمه.....	۱
۲	۲-۱- شرح و بیان مسئله پژوهشی.....	۲
۴	۳-۱- اهداف و پرسش‌های تحقیق.....	۴
۵	۴-۱- روش تحقیق.....	۵
۵	۵-۱- اهمیت و ارزش تحقیق.....	۵
۶	۶-۱- کاربرد نتایج تحقیق.....	۶
۷	۷-۱- تعریف اصطلاحات.....	۷

فصل دوم: آموزش فلسفه

۹	۱-۲- چیستی فلسفه.....	۹
۱۱	۲-۲- لزوم فعالیت فلسفی در زندگی.....	۱۱

فصل سوم: بررسی پیشینه تاریخی برخی نظریه‌های فلسفی و تربیتی در تدوین الگوهای برنامه‌ی فلسفه

برای کودکان

۱۳	۱-۳- دوره‌ی باستان.....	۱۳
۱۳	۱-۱-۳- سقراط.....	۱۳
۱۵	۲-۱-۳- افلاطون.....	۱۵
۱۶	۲-۳- دوره‌ی وسطی.....	۱۶
۱۶	۱-۲-۳- توماس آکویناس.....	۱۶
۱۶	۳-۳- دوره‌ی رنسانس.....	۱۶
۱۶	۱-۳-۳- فرانسیس بیکن.....	۱۶
۱۷	۴-۳- دوره‌ی جدید و معاصر.....	۱۷
۱۷	۱-۴-۳- رنه دکارت.....	۱۷
۱۹	۲-۴-۳- جان لاک.....	۱۹
۱۹	۳-۴-۳- لایب نیتس.....	۱۹
۲۰	۴-۴-۳- روسو.....	۲۰
۲۲	۵-۴-۳- کانت.....	۲۲
۲۴	۶-۴-۳- هگل.....	۲۴

عنوان

صفحه

۲۵ ۳-۴-۷- فروبل
۲۶ ۳-۴-۸- کی یرکه گار
۲۸ ۳-۴-۹- پیرس
۳۰ ۳-۴-۱۰- دیویی
۳۴ ۳-۴-۱۱- مونتسوری
۳۵ ۳-۴-۱۲- راسل
۳۷ ۳-۴-۱۳- نلسون
۳۸ ۳-۴-۱۴- یاسپرس
۳۹ ۳-۴-۱۵- ویتگنشتاین
۴۰ ۳-۴-۱۶- پیازه

فصل چهارم: بررسی رویکردهای موجود به برنامه‌ی فلسفه برای کودکان

۴۳ ۴-۱- بررسی رویکرد ماتیو لیپمن
۴۸ ۴-۲- بررسی رویکرد فیلیپ کم
۴۹ ۴-۳- بررسی رویکرد برنیفیر

فصل پنجم: بررسی روش‌های کاربردی آموزش فلسفه

۵۲ ۵-۱- بررسی روش‌های غیرمعمول آموزش فلسفه
۵۴ ۵-۱-۱- ادبیات
۵۵ ۵-۱-۱-۱- واکنش نسبت به ادبیات
۵۶ ۵-۱-۱-۲- شعر
۵۸ ۵-۱-۱-۲- ویژگی‌های شعر کودکان
۵۹ ۵-۱-۱-۳- داستان
۶۲ ۵-۱-۱-۳-۱- شگرد قصه‌گویی
۶۴ ۵-۱-۱-۳-۲- انواع داستان
۶۴ ۵-۱-۱-۳-۱- فلسفی
۶۵ ۵-۱-۱-۳-۲- سنتی
۶۶ ۵-۱-۱-۳-۳- علمی - تخیلی
۶۷ ۵-۱-۲- موسیقی

عنوان

صفحه

۶۸	۵-۱-۳- نمایش و فیلم
۷۰	۵-۱-۴- تصاویر و عکس‌ها
۷۱	۵-۱-۵- نقاشی
۷۱	۵-۱-۶- بازی
۷۳	۵-۱-۷- حرکات موزون
۷۴	۵-۲- بررسی الگوهای آموزشی معمول
۷۴	۵-۲-۱- کلاس دایره‌ای
۷۴	۵-۲-۲- کلاس بحث یا حلقه‌ی کندوکاو
۷۵	۵-۲-۳- تدریس به شیوه‌ی سقراطی
۷۶	۵-۲-۴- ارزیابی مهارت‌ها
۷۷	۵-۲-۵- بازنگری و به‌روز رسانی منابع
۷۷	۵-۲-۶- تلاش برای ارتباط بین حوزه‌های مختلف فکری
۸۷	۵-۲-۷- آموزش مهارت‌های کاروری
فصل ششم: رابطه‌ی تفکر فلسفی با تفکر خلاق و انتقادی	
۷۹	۶-۱- انواع تفکر
۸۲	۶-۲- تفکر خلاق
۸۴	۶-۲-۱- ویژگی‌های فرد خلاق
۸۴	۶-۲-۲- موانع خلاقیت
۸۴	۶-۲-۲-۱- نگرش اجتماعی
۸۶	۶-۲-۲-۲- نگرش‌های فردی
۸۶	۶-۲-۳- ضرورت پرورش تفکر خلاق
۸۷	۶-۲-۴- روش‌های پرورش خلاقیت
۸۸	۶-۲-۵- روش‌های پرورش خلاقیت در آموزش و پرورش کودک
۹۲	۶-۳- تفکر انتقادی
۹۳	۶-۳-۱- تعریف تفکر انتقادی
۹۴	۶-۳-۲- مهارت‌های تفکر انتقادی
۹۷	۶-۳-۳- رابطه‌ی مهارت‌های تفکر انتقادی و گرایش به این مهارت‌ها
۹۷	۶-۳-۴- تفکر انتقادی و ضرورت بکارگیری آن در آموزش و پرورش

۹۸	۵-۳-۶- روش‌های آموزش و پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی کودک
۱۰۱	۶-۳-۶- پیامدهای تفکر انتقادی
۱۰۱	۴-۶- رابطه‌ی تفکر انتقادی و خلاق
۱۰۲	۵-۶- رابطه‌ی تفکر فلسفی با تفکر خلاق و انتقادی
فصل هفتم: تفکر فلسفی و کودکان	
۱۰۵	۱-۷- توانایی ذهنی کودک و بررسی نظریات
۱۰۵	۱-۱-۷- بررسی نظریه‌ی پیاژه (سازمان رشد شناختی کودک)
۱۰۹	۲-۱-۱-۷- آموزش و یادگیری از نظر پیاژه
۱۱۱	۳-۱-۱-۷- ارزیابی نقادانه نظریه‌ی پیاژه
۱۱۹	۲-۷- معرفی برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان
۱۲۱	۱-۲-۷- حلقه‌ی کندوکاو
۱۲۶	۲-۲-۷- نقش معلم به عنوان یک تسهیل‌گر
۱۲۸	۳-۲-۷- لزوم آگاهی نسبت به مفاهیم فلسفی
۱۲۹	۴-۲-۷- چگونگی اداره کردن جلسه‌ی مباحثه
۱۳۳	۳-۷- بررسی امکان آموزش فلسفه به کودکان
۱۳۳	۱-۳-۷- مقایسه‌ی کودکان و بزرگسالان
۱۳۹	۴-۷- ضرورت پرداختن به برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان
۱۴۱	۵-۷- بررسی زمان مناسب آموزش فلسفه به کودکان
۱۴۲	۶-۷- لزوم هم‌خوانی برنامه‌ی فک با فرهنگ بومی
۱۴۳	نتیجه‌گیری
۱۵۴	منابع و مأخذ

فصل اول

کلیات

۱-۱- مقدمه

انسان موجودی است اندیشمند و به مدد همین تفکر و اندیشه است که امکان گفتگو در بعد فردی و اجتماعی فراهم می‌شود. اندیشه و تفکر وسیله‌ی برقراری ارتباط میان اذهان آدمیان است. از همین‌رو توجه به تقویت این جنبه وجودی انسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آنچه نیاز به آن در این عرصه بخصوص امروزه به شدت رخ می‌نماید، مسأله‌ی تفکر نقادانه و خلاق است؛ زیرا اولین کارکرد این نوع تفکر در زندگی شخصی و بهره‌مند ساختن هر چه بیشتر فرد از امور مادی و معنوی در فرصت‌های زندگی است که در مجموع دستاورد ارتقای فرهنگ جامعه را بدنبال خواهد داشت.

در همین راستا ضرورت نیاز به آموزش فلسفه و تفکر نقادانه بعنوان ابزاری که قدرت تحلیل و ارزیابی خلاق را افزایش می‌دهند، مطرح می‌شود؛ زیرا فلسفه، دانش پرسش است. فلسفه بیش از آن که به پاسخ بیندیشد، در اندیشه پرسش است، اما فقدان پرسش و نقد خلاقانه در عرصه‌ی آموزش، تأکید بر به خاطر سپاری صرف معلومات و محدود شدن ارزیابی دانش آموزان از طریق ریز نمرات از جمله عواملی است که سطح کیفی آموزش و در نتیجه حیات عقلانی جامعه را تنزل بخشیده است.

از این جهت طرح آموزش فلسفه به کودکان، تلاش می‌کند مهارت‌های کاربردی "تجزیه و تحلیل"، ارتباط دادن مطالب و امور با کودکان به ایشان آموزش داده و حتی در برخی موارد از دوره‌ی پیش دبستانی آن‌ها را آماده گرداند. بنابراین در راستای موضوع آموزش فلسفه، در فصل حاضر که به کلیات تحقیق اختصاص دارد، تحت عناوین ذیل به برای آشنایی بیشتر با این برنامه توضیحات ذیل ذکر می‌گردد:

۱-۲- شرح و بیان مسئله پژوهشی

حدود نیم قرن است که اندیشمندان و فلاسفه در برخی کشورها در این زمینه فعالیت می‌کنند. تلاش‌های این گروه منجر به تأسیس شاخه‌ی جدیدی در فلسفه با عنوان "فلسفه برای کودکان" یا p4c شده است که آموزش‌هایی را برای کودکان در قالب pwc و p4c طراحی کرده است. از طریق این برنامه، فلسفه وارد مدارس دوره‌ی ابتدایی و راهنمایی شده است. این برنامه در حال حاضر در بیش از ۱۰۲ کشور دنیا از جمله آمریکا، استرالیا، اوکراین، برزیل، بلغارستان، بنگلادش، تایوان، روسیه، فرانسه، کانادا و... و در ۱۶ زبان در حال اجرا می‌باشد. چنان‌که اخیراً در برخی کشورها مانند فرانسه و نروژ آموزش فلسفه برای کودکان دبستانی به صورت رسمی در برنامه‌ی درسی مدارس گنجانده شده است و در حال اجرا می‌باشد.

اولین بار این برنامه توسط ماتئو لیپمن Matthew Lipman آغاز شد. وی پس از اخذ دکترای فلسفه در سال ۱۹۵۴ بعنوان استاد فلسفه در دانشگاه کلمبیا Colombia برای مدت ده سال تدریس کرد و سپس به دانشگاه Montclair آمریکا رفت و در آنجا "پژوهشگاه توسعه و پیشبرد فلسفه برای کودکان" را تأسیس نمود. برنامه وی در سال ۲۰۰۱ جایزه‌ی انجمن فلسفی آمریکا "تقدیرنامه‌ی یونسکو" و همچنین "انجمن فلسفی معلمان آمریکا" را دریافت نمود. وی همچنین بعنوان نویسنده و نویسنده-همکار در تألیف ۲۶ کتاب در زمینه‌ی فلسفه و تعلیم و تربیت فعالیت نموده است.^۱

^۱ www. Buf. ne

افرادی نظیر: پر یاسپرسن^۲ Per Juspersen ، مارگارت شارپ^۳ Margaret Sharp ، اسکار برینیفیر^۴ Oscar Brenifier، دیوید کندی^۵ Kennedy David ، رابرت فیشر^۶ Robert Fisher و... در حال حاضر در خصوص آموزش فلسفه به کودکان فعالیت می کنند.

برخی مؤسسات نیز به انتشار مجلات مکتوب و الکترونیکی در این زمینه اقدام کرده اند. از جمله این مؤسسات می توان به موارد ذیل اشاره کرد که برنامه های "فلسفه با کودکان" را رسماً دنبال می کنند:

انجمن بین المللی کندوکاو فلسفی با کودکان^۷

بنیاد پیشبرد فلسفه برای کودکان (مونتکلیر)^۸

مرکز آستریم فلسفه برای کودکان^۹

مرکز پیشبرد فلسفه در مدارس^{۱۰}

اما از سابقه طرح مسأله ی "فلسفه برای کودکان" و "آموزش فلسفه به کودکان" در ایران زمان زیادی نمی گذرد، به طوریکه تا این اواخر هیچ اقدام جدی صورت نگرفته بود. اگرچه برخی اندیشمندان و متفکران ایرانی شخصاً در این زمینه فعالیت هایی داشتند و یا در قالب گروه های کوچک اقداماتی را آغاز کرده بودند، اما اولین اقدام رسمی در این خصوص در خرداد ماه ۱۳۸۳ در "همایش جهانی ملاصدرا" در قالب کارگاهی برای کودکان صورت گرفت. این کارگاه با همکاری جمعی از اعضای فعال "بنیاد حکمت اسلامی صدرا" با پروفیسور "اسکار برینیفیر" برای تعدادی از کودکان دبستانی برگزار شد و مورد استقبال ویژه ی حضار قرار گرفت. از آن پس این ایده کم و بیش در میان اندیشمندان ایرانی مورد توجه واقع شد و بر پایه ی همین تلاش ها و توجه پیگیر در زمستان ۱۳۸۴

^۲ www.childrenphilosophy.com

^۳ www.temple.edu

^۴ www.Brenifier.philosopher.fr.st

^۵ www.viterbo.edu

^۶ www.plato.stanford.edu

^۷ IPCI(International council of Philosophy Inquiry with children)

^۸ IAPC(Institute for the Advancement of Philosophy for Children) from Montclair

^۹ ACPC(Astrim Center for Philosophy for Children)

^{۱۰} CAPS(Center for Advancement Philosophy in School)

پژوهشگاه مطالعات علوم انسانی اقدام به تأسیس گروه فلسفه برای کودکان به مدیریت سعید ناجی نمود و به این ترتیب این گروه رسماً فعالیت خود را آغاز کرد و همچنان نیز ادامه دارد.

به این ترتیب از آنجا که مایه اصلی فلسفه‌ورزی که همان توانایی شگفتی است، به‌وفور در کودکان یافت می‌شود، می‌توان به این نکته رسید که کودکان شبیه‌ترین افراد به فیلسوفان هستند؛ بنابراین آموزش فلسفه برای کودکان حرکتی که کم و بیش به‌طور غیر رسمی وجود داشته است، امری ضروری است، همچنانکه برخی بزرگسالان علاقه‌مند که به افکار و پرسش‌های بی‌شمار کودکان درباره خودشان، جهان و خدا از جنبه‌های مختلف معرفت‌شناسی، اخلاق، زیبایی‌شناسی و ... توجه نشان داده‌اند، در واقع به فلسفی بودن کودکان احترام گذاشته‌اند و در نتیجه همین فرایند را تحقق بخشیده‌اند.

اما مسئله اصلی که در این تحقیق مد نظر است، بررسی نسبت فلسفه و کودکان است که از حیث جایگاه، لزوم آموزش فلسفه به کودکان، اهمیت تقویت تفکر فلسفی کودکان و نیز روش‌های آموزش فلسفه به کودکان مورد توجه قرار می‌گیرد. در این پژوهش سعی بر این است که ضمن توجه به پرسش‌های فلسفی کودکان، جایگاه فلسفه در افق فکری کودکان بررسی شود و روشن گردد که آیا اساساً کودکان قادرند تفکر فلسفی داشته باشند. سپس لزوم آموزش فلسفه به کودکان و اینکه چرا نباید زمان آموزش فلسفه را به مقاطع تحصیلی متوسطه و عالی موکول کرد، مورد پژوهش قرار می‌گیرد.

۱-۳- اهداف و پرسش‌های تحقیق

هدف اصلی از انجام این تحقیق، طرح بررسی امکان آموزش فلسفه به کودکان است که در راستای هدف فوق، پرسش‌های ذیل مطرح است:

۱- آیا ممکن است فلسفه را به کودکان آموزش داد و کودکان توانایی تفکر فلسفی را دارند؟

۲- آیا پرسش‌های فلسفی جایی در سوالات مطرح برای کودکان دارد؟

۳- برنامه‌ی آموزش به کودکان چه نتایج کاربردی را بدنبال خواهد داشت؟

۱-۴- روش تحقیق

برای انجام این تحقیق با توجه به اینکه از زمان طرح آن در کشور ما زمان زیادی نمی‌گذرد و افراد کمی از آن مطلع‌اند، با فقدان جدی در آثار مکتوب و ترجمه شده روبرو بوده‌ایم. از همین رو بخش مهمی از منابع موجود حاصل ماه‌ها تحقیق و جستجو در اینترنت و یافتن سایت‌های مرتبط و البته دارای اعتبار علمی و سپس ترجمه‌ی آن‌ها می‌باشد. از آنجا که فعالان این عرصه تلاش می‌کنند آخرین یافته‌های خود را ارائه کرده و به بحث بگذارند تا بطور جدی مبادله‌ی اطلاعات در این زمینه صورت بگیرد، اینترنت می‌تواند مجرای مناسبی برای دریافت اطلاعات در این زمینه به‌ویژه در کشور ما باشد. از دیگر اقداماتی که برای دریافت اطلاعات در این زمینه صورت گرفت، تماس با فعالان این عرصه چه در ایران و چه در خارج از ایران بود که از طریق پست الکترونیکی یا به‌صورت حضوری انجام شد. تلاش نگارنده بر این بوده است تا آنچه ارائه می‌شود، ضمن جدید بودن از اعتبار علمی برخوردار باشد. به همین منظور بعد از جمع‌آوری مقالات و نیز استفاده از برخی نسخه‌های الکترونیکی کتاب‌های موجود در اینترنت و نیز منابع مکتوب، ضمن ترجمه این متون، تلاش بر این بود تا آنجا که میسر است منابع مرتبط با موضوع اعم از فارسی و انگلیسی جستجو و مطالعه شود. به علاوه محقق سعی نموده با توجه به دامنه و اهمیت بحث و مطابق با سوالات تحقیق و بر مبنای استدلال و استنتاج نتیجه‌گیری نماید.

۱-۵- اهمیت و ارزش تحقیق

به نظر می‌رسد از آنجا که با بکارگیری روش‌های آموزش فلسفه برای کودکان، قابلیت کنجکاوی و شگفتی کودکان پرورش یافته و روحیه نقادی و پرسش‌گری آن‌ها فعال می‌گردد، به این ترتیب این مهارت‌ها نه تنها می‌تواند فیلسوفان جوانی را پرورش دهد، بلکه اذهانی فعال را برای تحصیل در سایر رشته‌ها نیز فراهم می‌سازد. مهارت تفکر خلاق و نقادانه که اندیشیدن دقیق و فعال را میسر می‌سازد، در دراز مدت نتایج پرباری را برای جامعه به‌دنبال خواهد داشت، بخصوص در کشور ما که مهد تفکر فلسفی بوده است و خاستگاه فلسفه‌ی اسلامی محسوب می‌شود. تحقیق موجود علاوه بر ارائه‌ی اطلاعاتی در خصوص توانایی ذهنی کودکان برای تفکر فلسفی می‌تواند در معرفی روش‌های پرورش تفکر خلاقانه و لزوم توجه به آن در برنامه‌ی آموزشی کشورمان و بهبود سطح کیفی حیات فکری و عقلانی جامعه مؤثر باشد، با توجه به اینکه تا کنون تحقیقات جدی و سازمان‌یافته‌ای در این

خصوص صورت نگرفته است، نگارنده در این مجموعه در مقایسه با سایر تحقیقات دانشگاهی انجام شده، تلاش نموده است، علاوه بر بررسی تمامی رویکردهای موجود، روش‌هایی را برای آموزش فلسفه ارائه نماید که کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۱-۶- کاربرد نتایج تحقیق

از جمله حوزه‌هایی که این تحقیق می‌تواند برای آنها کاربردی داشته باشد، موارد زیر قابل اشاره است:

الف- علاقه‌مندان به فلسفه و روش‌های آموزش آن اعم از دانشجویان فلسفه‌ی اسلامی و غرب، دانشجویان فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، علوم تربیتی و روانشناسی.

ب- مراکز آموزشی و پژوهشی که در حیطه‌ی فعالیت‌های ایشان فلسفه قرار داشته باشد، مانند:

آموزش و پرورش

انجمن پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

بنیاد حکمت اسلامی صدرا

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

پژوهشگاه مطالعات علوم انسانی

سازمان برنامه‌ریزی و مطالعات کتب درسی

سازمان فرهنگی آسیا

کانون پرورش فکری کودکان

مرکز گفتگوی تمدن‌ها

مؤسسه‌ی معرفت و پژوهش

مؤسسه‌ی معرفت و پژوهش کانون اندیشه

۱-۷- تعریف اصطلاحات

- ۱- فلسفه: دانش به معنای کلی کلمه و دانستن تعقلی، نه در خصوص تاثیرات اولیه ای که موجود زنده در ما ایجاد می کند، بلکه کوشش به منظور تالیف و سنتز کلی به سوی مفهوم جهان؛ هنر ملاحظه طبیعت با دقت. (لالاند، ص ۵۷۶)
- ۲- تفکر فلسفی: جریانی معطوف به هدف، عقاید، رمزها، نمادها و تداعی ها که در مواجهه با یک مسئله ی فلسفی آغاز شده و به نتیجه ای منتهی می گردد؛ نوعی تفکر تعقلی و استدلالی که در آن فعالیت های نمادی ذهنی و تداعی ها کاملاً مرتبند. (پور افکاری، ص ۱۵۰۹)
- ۳- تفکر انتقادی: روشی شناختی که عمدتاً به صورت آزمایش مداوم راه حل های احتمالی موجود برای مسائل می باشد و از منابع موجود برای حل مسئله کمک می گیرد. (همان)
- ۴- تفکر خلاق: این نوع تفکر دائماً در پی یافتن راه حل های تازه و ابداعی است. (همان)
- ۵- فلسفه برای کودکان که با خلاصه کردن عبارت Philosophy For Children به اختصار p4c نامیده می شود برای کودکان ۶-۱۶ ساله طرح ریزی شده است.^{۱۱}
- ۶- فلسفه با کودکان یکی دیگر از شاخه های آموزش فلسفه به کودکان است که بیشتر مبتنی بر بحث با کودکان است و با خلاصه کردن عبارت philosophy with children به اختصار pwc نامیده می شود.^{۱۲}

^{۱۱} www. Buf.ne

^{۱۲} Ibid

فصل دوم

آموزش فلسفه

فکر و اندیشه قدمتی به اندازه تاریخ بشری دارد و حیاتش مقارن با حیات انسان است؛ زیرا حیات و زندگی بشری معطوف به تفکر است و از همان آغاز اندیشه و اندیشیدن همواره آدمی را به خود مشغول داشته است و بشر پیوسته در پی این بوده تا گره‌های ناگشوده ذهن خویش را به مدد تفکر بگشاید تا شاید پاسخی برای پرسش‌های تمام نشدنی اش بیابد؛ چرا که با طرح اولین سوال صرف نظر از اینکه بتوان جوابی برای آن یافت یا خیر، سوالات بسیار دیگری مطرح می‌شوند. به این ترتیب جستجو و کاوش ادامه می‌یابد و این یعنی زیستن؛ یعنی گزینش و انتخاب که جز با تفکر حاصل نمی‌شود. بنابراین می‌توان گفت تنها دانشی که محورش اندیشیدن است؛ یعنی فلسفه بیش از همه می‌تواند در این رهگذر رهگشای آدمی باشد؛ زیرا عادت دیرین فلسفه پرسش است و پرسش همواره علامت حیات عقلانی بشر و از همین جاست که نوعی گفتمان در عرصه‌ی فکر و اندیشه و در دو بعد درون و برون شکل می‌گیرد که هر دو نیز تمام نشدنی می‌نمایند؛ زیرا به تعداد انسان‌هایی که در این کره‌ی خاکی فرصت زیستن می‌یابند، فکر و اندیشه‌ی متفاوت وجود دارد و اصلاً همین تنوع و تناقض آراء هر انسان صاحب فکری را به تأمل وامی‌دارد تا ملاک و معیاری برای رسیدن و دریافتن حقیقت اصیل بیابد. روشن است که اندیشه فعل اختصاصی انسان است و همین است که پیوند ژرف بین فلسفه و حیات را از یک طرف و عمومیت آن را از طرفی دیگر آشکار می‌سازد و دقیقاً بر همین اساس که همه انسان‌ها می‌توانند بیندیشند و از تفکر گریزی ندارند،

فلسفه نیز به گروه خاصی محدود نمی‌شود. بلکه باید آن را به متن زندگی روزمره وارد کرد و بکار گرفت؛ زیرا فلسفه می‌ورزیم تا زندگی کنیم. اما با نگاهی کوتاه به جامعه به‌طور عام و جامعه دانشگاهی بطور خاص در می‌یابیم که پرسش این تنها نشانه حیات و خردورزی چندان جایگاه روشنی و برجسته‌ای ندارد. به‌طوریکه فلسفه از متن زندگی رایج و روزمره به کتاب‌های حجیم و پیچیده که گاهی نیز بسیار بیش از آنچه نیاز است، مبهم و مشکل نگاشته شده‌اند و فلاسفه نیز به افرادی منزوی مبدل شده‌اند؛ حال آنکه فیلسوف بعنوان یک فرد اندیشمند باید بیش از همه نسبت به مسایل و مشکلات خود و جامعه‌اش آگاه و حساس باشد و پیوسته در پی موشکافی، جستجوی علت‌ها و یافتن راه حل باشد؛ روشن است که فقدان چنین فضایی خود دال بر وجود ضعف‌های جدی در امر آموزش فلسفه می‌باشد. چنین فاصله‌ای میان مردم با فلسفه و کم‌رنگ شدن خردورزی در جامعه را باید به‌عنوان معضلی جدی تلقی کرد و راه حل‌هایی برای آن اندیشید و سپس در عرصه عمل به کار گرفت. اما فلسفه چیست و خردورزی کدامست؟

۱-۱- چیستی فلسفه

هر کدام از ما بی‌گمان بارها و بارها با این پرسش که "فلسفه چیست؟" و "چرا فلسفه می‌خوانید؟" چه از جانب خود و چه از جانب دیگران مواجه شده‌ایم. پرسش بسیار روشن است، اما یافتن پاسخی که به همین سادگی و در عین حال جامع و مانع باشد و در حوصله شنونده نیز بگنجد، دشوار است. فلسفه در لغت به معنای خرد دوستی است؛ یعنی کسی که در جستجوی خرد است. اما چگونه؟ سینگر Singer در این باره می‌نویسد: "فلسفه اغلب بعنوان بخشی از دانش به شمار می‌رود، اما این ایده معنای آن را تا حدودی محدود می‌سازد، پس بهتر است که آن را بعنوان روش جستجو و کاوش در خصوص سوال‌های اساسی بدانیم که با روش علمی نمی‌توان به آنها رسید." (موریس، ۲۰۰۰/ص ۲۶۱)

با این توضیح به نظر می‌رسد که می‌توان فلسفه را مرادف با پرسش دانست؛ و فلسفه ورزی را همان پرسشگری و کنجکاوی؛ یعنی همان ابزاری که به انسان کمک می‌کند تا فطرت ثانی خود را بیابد و در وادی حیرت گام نهد، فلسفه با شگفتی آغاز می‌شود و با تردید شکل می‌گیرد. این تردید و شک آغاز فلسفه ورزیدن است، اما همه‌ی آن نیست؛ بلکه نقطه‌ای است برای شروع.

ما از شک آغاز می‌کنیم ولی برای رسیدن به یقین! البته شاید این سوال پیش بیاید که فلسفه‌ای که باید ما را یقین برساند، چگونه از شک و دودلی برمی‌خیزد؟ در پاسخ باید گفت که فلسفه یک متن مرجع یا مقدس نیست، با این حال یقینی که به مدد فلسفه حاصل می‌شود، سکینه و آرامشی ژرف بدنبال خواهد داشت و اگرچه همه ما با این اندیشه رایج آشنا هستیم که شک و تردید علامت خوبی نیست، اما میان این تردید و تردید فلسفی فرسنگ‌ها فاصله است. شک و تردید فلسفی که دستیابی به آن بسیار هم مشکل است نه تنها ارزشمند است، بلکه آشفتگی حاصل از آن نیز دال بر خردمندی و اندیشه ورزی است.

عين القضاة همدانی در تأیید و تحسین همین شک می‌نویسد: "چندین هزار جنازه به گورستان بردند و یکی از ایشان به شک نرسیده بود." درحقیقت شک و یقین دو پرتو فکر به شمار می‌آیند. فکر یا فلسفه با حیرت شروع می‌شود و با یقین می‌میرد و تنها شک و پرسش است که امکان دوباره حیات را به آن می‌بخشد. ادیانی، ۱۳۸۳/ص ۲۵) اما اگر بپذیریم که فلسفه همان پرسش است، سوال دیگری مطرح می‌شود:

چگونه پرسشی؟ همان‌طور که پیش از این اشاره شد؛ سوالاتی اساسی. زیرا اساسی‌ترین و حقیقی‌ترین موجود، انسان است؛ تنها موجودی که می‌تواند بیندیشد و بپرسد. پس از آنجا که اساسی‌ترین چیز برای انسان حیات و زیستن است؛ بنابراین پرسش‌ها باید درباره زندگی باشد.

البته اگرچه در نگاه اول شاید کمی ساده به نظر برسد، اما قدمت این پرسش‌ها به اندازه قدمت بشر است و حتی امروز نیز هر انسان صاحب اندیشه‌ای در جستجوی پاسخ خود می‌باشد و همین نشان می‌دهد که این پرسش‌ها هرگز جوابی قطعی که بتواند همه انسان‌ها را قانع سازد، نیافته‌اند؛ سوال‌هایی که به راستی برای انسان خلق شده‌اند، برای هر فرد انسان. سوال درباره اینکه "من چه کسی هستم؟ من کجا هستم؟ چرا به اینجا آمده‌ام؟ آیا این هستی واقعیت دارد؟ آیا من می‌توانم واقعیت را بشناسم؟ آنچه من احساس می‌کنم و می‌شنوم، چیست؟ چرا سوال می‌پرسیم؟ آرامش چیست؟ چه فرقی بین دروغ و حقیقت است؟ آیا مغز و ذهن یکی هستند؟ فلسفه به چه معناست؟ آیا لیوان واقعاً پر است یا خالی؟ زیبایی همان خوبی است؟ آیا خوبی و لذت یکی هستند؟ معنای مرگ چیست؟ آیا اراده‌ای هست؟ آیا شما می‌توانید به خودتان دروغ بگویید؟ معنای زندگی چیست؟ آیا وقتی حرف می‌زنید، چیزی می‌دانید؟ وقتی به ساعت نگاه می‌کنیم، زمان چیست؟ آیا خدایی هست؟ سوال چیست؟ و هزاران سوال دیگر. (رک، وایت ۲۰۰۰، فیلیپ ۲۰۰۱)

درواقع برای نزدیک شدن به فلسفه و انجام یک فعالیت فلسفی تنها لازم است یکی دو سوال درباره خود، زندگی، جهان و خدا پرسیم. با این وجود می‌بینیم که بسیاری از ما نه تنها سوالی نمی‌پرسیم، بلکه به خود شک و

تردیدی هم راه نمی‌دهیم و فلسفه را پژوهشی تخصصی می‌دانیم و محدود به افراد خاصی. ما به ندرت شک می‌کنیم و اغلب اگر هم سوالی بپرسیم به نظر می‌رسد با شنیدن برخی پاسخ‌ها پرونده سوال را برای همیشه بسته و قانع می‌شویم. در حالیکه هیچ پاسخی هرگز تمام و کمال نخواهد بود. آری هر فکری حقیقی است، اما همیشه حقیقت نیست و هر پاسخی حقیقت است، اما همه حقیقت نیست.

بنابراین اگر انسان اندیشیدن را فرو بگذارد، ناچار است دنباله‌رو و تابع دیگرانی باشد که چه بسا آن‌ها نیز سبکی از زندگی را برگزیده‌اند بی‌آنکه آن را آزموده باشند و چنین انسانی آزاد نخواهد بود؛ زیرا آزادی انسان، از آزادی اندیشه و قدرت تفکرش ناشی می‌شود؛ در واقع آزادی زمانی به تمامی برایش تحقق می‌یابد که انسان آگاهانه بیندیشد و ارزش‌هایش را در پرتو تفکر و با انتخاب شخصی خود کسب کند، بی‌آنکه نیازی باشد از دیگری تبعیت کند.

درواقع فلسفه مهر تأییدی بر خود اندیشی است و بر اعتبار اندیشیدن مستقل؛ فلسفه به انسان این اجازه و جرأت را می‌دهد تا تجربه شخصی خود را از هر پدیده‌ای داشته باشد و البته باید گفت که نقطه پایان هر اندیشه بطورعام و فلسفه بطور خاص جایی است که فاعل اندیشه به آن ایمان و ایقان قطعی بیاورد. پس فیلسوف کسی است که همواره می‌پرسد؛ می‌پرسد تا زندگی کند. او شجاعانه سوال می‌کند و ابایی ندارد که هر اندیشه رایج و محبوب را زیر سوال ببرد تا به کشف راه‌هایی جدید نایل آید؛ زیرا برای فیلسوف ارزشمندتر از حقیقت چیزی نیست و آنچه نزد او محبوب است، معقول است و بس؛ و این معقول آن چیزی است که حاصل اندیشیدن و جستجوی فعالانه وی می‌باشد، نه اینکه آن را به کلی از دیگری وام گرفته باشد.

۲-۱- لزوم فعالیت فلسفی در زندگی

سقراط می‌گوید: "زندگی بررسی نشده ارزش زیستن ندارد." همه ما زندگی می‌کنیم، اما کمتر می‌اندیشیم و می‌پرسیم و کمتر به آنچه اطرافمان می‌گذرد، توجه داریم. در واقع می‌توان گفت همه ما روزی زندگی می‌کردیم و می‌اندیشیدیم و بسیار می‌پرسیدیم. اگر نگاهی به کودکان بیندازیم، می‌بینیم که آن‌ها پیوسته از هر چیزی شگفت زده می‌شوند و با نگاهی جستجوگر همه چیز را مورد کاوش قرار می‌دهند. اگرچه همیشه هم با واکنش‌های مثبتی در پاسخ سوالاتشان مواجه نمی‌شوند ولی دوباره با سوالات بیشتری برمی‌گردند و به سادگی نمی‌توان قانع‌شان کرد. در این میان همان‌طور که یک فیلسوف معاصر می‌نویسد: تنها "یک فیلسوف است که غالباً حوصله‌اش از این سوال‌ها سر نمی‌رود و حاضر به دست و پنجه نرم کردن با آن‌ها است. اما تأسف در این است که اکثر این کودکان